

متن پرسش

سلام استاد: در شرح فصوص سها فرموده بودید که جناب مولانا در اواخر عمر به سمت مکتب محی الدینی تمایل پیدا کرده بودند و سپس داستان دیدار ایشان را با صدرالدین قونوی بیان کردید، اما واقعا از این حکایت مذکور تمایل مولانا به مکتب محی الدینی آشکار نمی‌گردد، ثانياً اینکه ما در نقل قول های زیادی دیدیم که مولانا گاهی به این مکتب طعن هم می‌زند مانند آنجا که می‌بینند شاگردان ایشان در حال صحبت از فتوحات مکيه هستند می‌فرمایند: «نغمات زگی به از فتوحات مکی» یا مثلاً نقل قول هایی که «زرین کوب در کتاب پله پله تا ملاقات خدا» در خصوص اختلافات مکتب مولانا با مکتب محی الدینی ذکر می‌کنند و مثال دیگر اینکه دکتر شفیعی کدکنی که خود را مدیون و وامدار عرفان خراسان می‌داند و مولانا و جناب شمس را در زمره ی عرفان خراسان می‌داند و با تأثیری که از عرفان مولانا و عطار گرفته اند همیشه در مقابل و جلوی عرفان محی الدینی در می‌آیند و این در آثارشان بصورت کامل مشهود مانند کتاب زبان شعر در نثر صوفیه، ۵ جلد میراث عرفانی و ایرانی، و یا تصحیحات اسرار و التوحید و تذکرة الاولیاء ایشان. خواستم از حضورتان بپرسم در خصوص این بیانی که داشتید یعنی تمایل مولانا به مکتب محی الدینی آیا شاهد قوی تری در کتب و تصنیفات و تاریخ وجود دارد که شما آن را از نظر گذرانده باشید؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین‌طور است که می‌فرمایید که در هر حال دستگاه نگاه مولوی با نگاه ابن‌عربی کاملاً متفاوت است و اگر در شهر قونیه آن احترام را جناب مولوی به جناب قونوی می‌گذارد، به معنای حضور در آن نگاه نیست. به هر حال، دو نگاه است. موفق باشید